

تصمیمات قضائی

ردیف شماره ۳۲

مرجع رسیدگی - هیئت عمومی دیوانعالی کشور

شماره پرونده - ۲۵ - ۳۱۴۶/ح

فرجامخواه - وزارت صنایع و معادن

فرجامخوانده - ربیع زاده آلتون تاش

فرجامخواسته - حکم شماره ۱۸۲ شعبه ۱۰ دادگاه استان مرکز.

تاریخ ابلاغ - ۴۰/۸/۹

تاریخ ثبت دادخواست فرجامی - ۴۰/۸/۱۷

شماره پرونده - ۲۳ - ۳۱۴۳

فرجامخوانده - شرکت سهامی بحرآسمان

فرجامخوانده وزارت اقتصاد . هاشم ربیع زاده آلتون تاش

فرجامخواسته - حکم شماره ۱۸۲ شعبه دهم دادگاه استان مرکز

تاریخ ابلاغ - ۴۰/۸/۹

تاریخ ثبت دادخواست فرجامی - ۴۰/۸/۱۷

گرددش کار - بدو در سال ۱۳۳۳ وکیل هاشم ربیع زاده دادخواستی بطرفیت وزارت اقتصاد (اداره کل معادن) بدادگاه شهرستان تقدیم و بعنوان لزوم صدور پروانه اکتشاف نسبت بچهارصد کیلومتر مربع در معدن کوه بحرآسمان کرمان و بطلان پروانه های اکتشاف درخواست صدور حکم مبنی بر الزام آنوزارت مینماید و دادخواست دیگری بطرفیت شرکت سهامی معدنی بحرآسمان بخواسته اعلام ابطال پروانه های اکتشاف صادره از اداره معادن تقدیم دادگاه شهرستان مینماید و بشرح هر دو دادخواست توضیح داده که خواهان طبق دو فقره نامه درخواست پروانه اکتشاف نسبت بمعادن کوه بحرآسمان از وزارت اقتصاد ملی نموده وزارتخانه مذکور برخلاف مقررات و آئین نامه مربوطه از صدور پروانه اکتشاف بنام مشارالیه خود داری کرده و در عوض پروانه بنام شرکت بحرآسمان بدون رعایت حق تقدم صادر نموده است رسیدگی بشعبه ۸ دادگاه شهرستان تهران ارجاع وشعبه نامبرده پس از رسیدگی حکم بر ابطال پروانه های اکتشاف صادره بنام شرکت بحرآسمان کرمان و الزام وزارت اقتصاد ملی بر صدور پروانه اکتشاف بنام خواهان با رعایت لایحه قانونی معادن و آئین نامه های مربوطه صادر مینماید که در شعبه پنجم دادگاه استان مرکز نیز استوار میشود از این حکم فرجامخواهی شده وشعبه اول دیوانعالی کشور پس از رسیدگی با نقض حکم فرجامخواسته چنین رأی میدهد. اشکالی را که بر جریان امر بنظر میرسد این است که طبق محتویات پرونده و ادله که خواهان بدوی تقدیم داشته معدن مورد بحث

سابقه اکتشاف داشته زیرا از جمله مدارك تقدیمی ورقه اجاره نامه است که در سال ۱۳۳۲ قمری معدن مزبور به خواهان و سهام المالک اجاره داده شده بود با این صورت اقامه دعوی و تقاضای پروانه اکتشاف و صدور حکم بر این معنی معلوم نیست مجوز قانونی آنچه بوده و این قسمت که مؤثر در امر بوده مورد رسیدگی دادگاه و اظهار نظر قرار نگرفته. علیهذا از جهت نقص رسیدگی فرجامخواسته نقض و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میگردد. رسیدگی مجدد بشعبه دهم دادگاه استان مرکز ارجاع و شعبه نامبرده با تأیید حکم پژوهشخواسته چنین رأی میدهد عمده اعتراضات پژوهشخواهان دو موضوع است.

۱ - شورای عالی معادن تنها مرجع صالح درباره امور مربوط به معادن است. بنا بر این دادگاه شهرستان تهران صلاحیت ندارد بدعوی پژوهشخواند رسیدگی کند ۲ - معدن کوه بحرآسمان کرمان سالها پیش از تاریخ تقاضای پروانه اکتشاف پژوهشخوانده مکشوفه بوده و مشارالیه خود از سال ۱۳۳۵ قمری برای مدتی مستأجر آن بوده و با استخراج از آن اشتغال داشته بنابراین مجوزی وجود نداشت که طبق قانون معادن مصوب ۱۶ / بهمن / ۱۳۱۷ و آئین نامه مربوطه بآن بوی پروانه اکتشاف داده شود و بهمین جهت درخواست وی رد شده است. و پروانه های اکتشاف شرکت سهامی معدنی بحرآسمان هم طبق لایحه قانونی معادن مصوب ۲۰م دیماه ۱۳۳۱ و آئین نامه مربوط باین لایحه که طبق آن مصدن مزبور غیر مکشوفه شناخته شده صادر گردیده است و علاوه بر این قبول و رد تقاضا با وزارت اقتصاد ملی است و نمیتوان به تصمیم آن اعتراض نمود هیچیک از دو اعتراض مرقوم وارد نیست. زیرا اولاً در مورد صلاحیت دادگاه شهرستان تهران بموجب ماده یک قانون آئین دادرسی مدنی رسیدگی بکلیه دعاوی مدنی راجع بدادگاه های دادگستری است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری معین کرده است و در لایحه قانونی معادن و آئین نامه مربوط بآن هم مرجع دیگری برای رسیدگی بدعوی مزبور معین نگردیده و همانطور که در حکم بدوی استدلال شده تصویرنامه مورخ ۲۲/۴/۳۲ هیئت وزیران هم که باستناد تبصره ماده ذیل ۱۸ لایحه قانونی معادن صادر گردیده شورای عالی معادن را مرجع این دعوی قرار نداده است بنابراین ایراد صلاحیت دادگاه شهرستان تهران رد میشود. ثانیاً در مورد ماهیت دعوی بشرح نامه شماره ۶۲۰۳ - ۳۱/۳/۲۶ پژوهش خوانده در تاریخ ۳۰/۱۲/۱۵ تقاضای پروانه اکتشاف اطراف کوه بحرآسمان را نموده و شرکت سهامی معدنی بحرآسمان بشرح رونوشت نامه مورخ ۲۵/۲/۳۳ در تعقیب دادخواستهای ۲۱ و ۲۴ فروردین ۳۳ خود تقاضای پروانه اکتشاف نکرده و پروانه های آن در خرداد و تیر ۱۳۳۳ صادر شده است و با این کیفیت مسلم است که تاریخ تقاضای پژوهشخوانده که در زمان اجرا قانون معادن مصوب ۱۶/بهمن/۱۳۱۷ و آئین نامه مربوطه بآن بعمل آمده مقدم بر تاریخ تقاضای شرکت سهامی معدنی بحرآسمان بوده است و موجب ماده ۶ آئین نامه قانون معادن مصوب ۱۳۱۷ حق تقدم از آنکسی بوده است که تاریخ تقاضای وی مقدم باشد و طبق ماده ۷ همین آیین نامه وزارت پیشه و هنر مکلف بوده ظرف دو ماه از تاریخ وصول تقاضا نامه پروانه اکتشاف را بنام متقاضی صادر نماید و از حکم این ماده آئین نامه مختار بودن وزارت پیشه

و هنر در رد و قبول تقاضا استفاده نمیشود و نیز مفاد همین مادتین مزبور در مادتین ۴ و ۵ آیین نامه لایحه قانون معادن مصوب سوم دیماه ۱۳۳۱ مقرر گردیده انحصار مدت صدور پروانه از تاریخ درخواست بیکماه تقلیل یافته است در مورد مکشوفه بودن معدن هر چند این موضوع مورد قبول پژوهشخوانده است که وی از سال ۱۳۳۵ قمری بپس مدتی مستأجر معدن مذکور بوده ولی این کیفیت نمیتواند مثبت مکشوفه بودن معدن مورد بحث بطوریکه در ماده ۱ آیین نامه اکتشافات مربوط بقانون معادن مصوب ۱۳۱۷ و ماده یک آیین نامه اکتشاف مربوط به لایحه قانونی معادن مصوب ۱۳۳۱ مقرر گردیده باشد زیرا در ماده یک هر یک از ۲ آیین نامه مرقوم انجام مجموع اعمالی کشف معدن بشمار میآید که در صورت عدم انجام هر یک از آنها اطلاق کشف معدن جایز نخواهد بود. بنابراین صرف مستأجر بودن پژوهشخوانده در معدن مورد بحث انجام اعمال مذکور در آیین نامه های فوق بشمار نمی آید و دلیلی هم ابراز نشده که آن اعمال چنانکه ادعا شده حتی وسیله دولت انجام گردیده باشد تا بتوان معدن را بیش از تقاضای پژوهشخوانده مکشوف در اطلاع قانون دانست علیهذا دادنامه پژوهشخواسته نتیجتاً خالی از اشکال و منقصد قانونی است با استناد ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی عیناً تأیید میگردد. این حکم مورد شکایت فرجاسی واقع و وکیل وزارت صنایع و معادن در لایحه فرجاسی اعتراضاتی کرده از جمله اینکه بعد از تصویب لایحه قانونی سال ۱۳۳۱ معدن بحر آسمان بترتیب و اعتبار این قانون غیر مکشوفه بوده و اولین تقاضای پروانه از طرف شرکت بحر آسمان بعمل آمده که در این حالت حق تقدم برای فرجامخواسته موجود نبوده است و پس از لایحه قانونی مزبور نیز تقاضای فرجامخوانده بر خلاف مقررات قانون و آیین نامه معتبر روز بوده که دادگاه استان بدون توجه مبادرت بصدور رأی کرده و تقاضای نقض آنرا نموده است و وکیل شرکت بحر آسمان نیز اعتراضاتی در لایحه فرجاسی بعمل آورده از جمله اینکه برخلاف نظر دادگاه استان فرجامخوانده مستأجر معدن بحر آسمان بوده که به علت عدم پرداخت مال الاجاره اجاره اوفسخ شده و بموجب قانون لاحق تشخیص صلاحیت متقاضیان و پروانه اکتشاف و استخراج معادن بشورائی واگذار شده که آن شورا شرکت موکل را ذیصلاحیت تشخیص داده (که بموجب تعریف این قانون معدن بحر آسمان غیر مکشوفه تلقی میشود) و فرجامخوانده را واجد صلاحیت اکتشاف ندانسته و استناد دادگاه استان بر این که فرجامخوانده اولویت داشته صحیح نیست و تقاضای نقض حکم فرجامخواسته را نموده است و وکیل فرجامخوانده نیز با اعتراضات فرجامخواهان بموجب لایحه پاسخ داده است. بنظر هیئت این شعبه موضوع اصراری برای طرح به هیئت عمومی دیوانعالی کشور ارسال می شود.

بتاریخ روز چهارشنبه پنجم دیماه ۱۳۴۱ جلسه هیئت عمومی دیوانعالی کشور برباست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوانعالی کشور و با حضور آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی دادستان کل کشور و آقایان رؤسا و مستشاران شعب دیوان مزبور بشرح زیر .

شعبه اول - آقای دکتر محمد علی پارسائی . آقای علی اکبر حاج مهینی .

شعبه دوم - آقای محمدتقی خستو. آقای عبدالله خلیل ناجی . جناب آقای ولی الله شهاب فردوس .

شعبه سوم - جناب آقای محمود عرفان . آقای احمد رزین . آقای علی صفری .
شعبه چهارم - آقای اسدالله مصباح مرجانی . آقای ابوالقاسم اخوی . آقای جواد صادقی .

شعبه پنجم - جناب آقای محمود هدایت . جناب آقای ابوالقاسم فقیه زاده .
شعبه ششم - جناب آقای صالح صالح . آقای بیوک آصف زاده .
شعبه هفتم - جناب آقای عمادالدین میر مطهری . آقای حسین معظمی . آقای محمدعلی فرهنگ .

شعبه هشتم - جناب آقای نصیرالدین خواجوی آقای علی اصغر شریف . آقای دکتر حسین بصیری .

شعبه نهم - جناب آقای رضا هنری . آقای وجیه الله فاضل سرجوئی .
شعبه دهم - جناب آقای محمدصدر . آقای محمدصفدری . آقای دکترعلی صدرات
شعبه یازدهم - جناب آقای عبدالحسین احمدی بختیاری . آقای حسین بیدار
آقای رحمت الله مقدم

شعبه دوازدهم - جناب آقای دکتر باقر عاملی . آقای احمد معاون زاده سهرابی .
غلامعلی لاریجانی . غلامرضا بیرشگ

تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش و اوراق لازم و مذاقه در آن و با کسب عقیده
جناب آقای دادستان کل مبنی بر نقض رای فرجامخواسته مشاوره نموده با کثرت آراء
بشرح زیر رأی میدهند .

چون معدن بحرآسمان در سال ۱۳۳۵ قمری از طرف دولت بخوانان و سهام الممالک
اجاره داده شده بوده اقامه دعوی و تقاضای پروانه اکتشاف بعنوان غیر مکشوفه بودن معدن
مجازی نداشته و حکم فرجامخواسته برخلاف قانون و طبق ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی
مدنی نقض و رسیدگی بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میشود .

ردیف ۵۶ تهیه کننده گزارش آقای شریف - ۱۰/۱۰۷۱۰
فرجامخواهان عزیزپور صادق زکریا خا کزاد - صالح وطن زیست .
فرجامخواننده دادستان استان مرکز .

فرجامخواسته - دادنامه شماره ۸۱۵

جریان کار ۱ - عزیز فرزند حسین پور صادق صدیق ۳۴ ساله اهل تبریز ساکن
تهران باتهام عرضه و فروش چهار کیلو تریاک ۲ - صالح وطن زیست فرزند حاجی آقاچهل
ویک ساله اهل رضائیه باتهام معاونت در فروش تریاک مزبور ۳ - زکریا خا کزاد دیپاور
فرزند ایجان کارمند سابق جنگلبانی باتهام معاونت در فروش تریاک مزبور مورد تعقیب دادرسی

شهرستان تهران قرار گرفته و بشرح زیر سه فقره کیفرخواست مورخ ۱۳۴۰/۲/۲۷ و باستاند ماده پنج قانون منع کشت خشخاش نسبت بمتهم اول با رعایت ماده ۳۸ قانون مجازات عمومی علیه دو نفر متهم دیگر در دادگاه جنائی اقامه دعوی کیفری میشود خلاصه جریان پرونده اینستکه سرپاسبان سوم جندقی پاس خیابان بوذرجمهری گزارش میدهد که در ساعت ۳/۴ - ۲۲ روز ۱۵/۷/۳۹ حین انجام وظیفه خیابان مزبور صدای شلیک تیرهایی بگوشش میرسد بمحل واقعه رفته مشاهده کرده شخصی تیر خورده و بزمین افتاده و قادر بتکلم نیست در آن موقع ستوان بنفشه که لباس غیر نظامی برتن داشته مأمور کشف مواد مخدره عزیزالله پورصادق متهم ردیف یک را که دستگیر نموده بود تحویل سرپاسبان مذکور داده‌اند و گفته فروشنده تریاک است و بعد سروان محمدی خود را معرفی و گفته مقتول در اثر شلیک گلوله او به قتل رسیده و مقتول به بیمارستان سینا حمل شده بنا بگزارش سروان محمدی و ستوان بنفشه مأموران اداره مبارزه با مواد مخدره که در تعقیب کشف تریاک بوده‌اند براهنمائی صمد نام که ظاهراً با سروان محمدی منسوب است و بوسیله هر سچی متصدی بنگاه معاملات سانترال با خاکزاد و عزیز پورصادق ارتباط یافته و مذاکره خرید ۵ کیلو تریاک از عزیز و ۵ کیلو از شخص دیگری در نزد سید نصرالدین با دادن هزار تومان بیعانه که از اداره مبارزه با مواد مخدره گرفته بوده‌اند انجام و نمونه تریاک را دریافت و چهار کیلو ابتیاعی از عزیز متهم را در شمال پارک شهر از اتومبیل جیب قاچاقچیان با اتومبیل مأمورین منتقل و سپس بخیبان بوذرجمهری حرکت کرده‌اند در محل وقوع قتل بر سر گرفتن تمام وجه چهار کیلو تریاک حاصل و متهمین بهمراهی دو نفر دیگر تریاک را مجدداً « به جیب قاچاقچیان انتقال داده و قصد فرار داشته‌اند که سروان محمدی یکی از آنها را (پاشا عسکری) با شلیک پنج گلوله مقتول و عزیز را سروان بنفشه دستگیر نموده‌است دادگاه جنائی باتعیین و کیل و اخطار ده روز و تشکیل جلسه مقدماتی سرانجام در جلسه علنی با حضور متهمین و وکلای مدافعشان رسیدگی بعمل آورده و پس از استماع توضیحات متهمین و بیانات نماینده دادسرا و مدافعات و کلاه و شنیدن آخرین دفاع اعلام پایان دادرسی و با توجه بگزارشهای سروان غلامحسین محمدی و ستوان دو بنفشه و اظهارات محمد کنعانی که در کشف جرم همکاری کرده و اظهارات صالح وطن زیست و زکریا خاکزاد بیاورد در ۱۹/۱۰/۳۹ که بیعانه از هر سچی دریافت و عزیز آقا داده و اظهارات متهمین و عزیز نامبرده مبنی بر اینکه در موقع شلیک گلوله منتهی بقتل پاشا عسکری شده حضور داشته و دلایل دیگر جرم عزیز را نسبت بارائه ۵ کیلو لول که نمونه آنرا سروان محمدی ضمیمه پرونده کرده و با معاونت زکریا خاکزاد بیاورد و صالح وطن زیست که پس از تحویل تریاک بکهدر بابت بیعانه متهمین با کمک عدّه دیگر تریاک مزبور را از دسترس مأمورین خارج ساخته و عمل عزیز متهم ردیف یک با ماده ه قانون منع کشت خشخاش تطبیق داشته و با رعایت ماده ۴۰ قانون مجازات او را بدو سال حبس تأدیبی و پرداخت (۲۰۰۰۰۰) دو میلیون ریال بعنوان جریمه نقدی (چهار کیلو تریاک از بین رفته) محکوم و عمل زکریا خاکزاد بیاورد را با ماده پنج قانون مذکور تطبیق و با رعایت ماده ۲۹ قانون کیفر عمومی او را بهشت ماه حبس تأدیبی و صالح وطن

زیست را طبق ماده پنج و مادتين ۲۸ و ۲۹ قانون مذکور بشش ماه حبس تأدیبی محکوم
 مینمایند بر اثر شکایت فرجامی متهمین شعبه ۸ دیوانعالی کشور بموجب حکم شماره ۴۳۸۰
 ۴۰/۹/۲۹ چنین رای میدهند - هرچند اعتراضات فرجامی خواهان ماهوی و خدشه بنظر و
 استنباط دادگاه است که در این مرحله مورد دقت قرار نمیگیرد ولی در ملاحظه محتویات
 پرونده بر رای فرجامخواسته اشکال وارد است زیرا مستند صدور حکم محکومیت فرجامخواهان
 اظهارات آقایان سروان محمدی و ستوان بنفشه و اظهارات صمدکنعانی از بستگان سروان
 محمدی و اظهارات خاکزاد و هر سچی شریک صمد کنعانی است علاوه بر اینکه تریاک کشف
 شده معقول بنظر نمیرسد چند نفر بی اسلحه از جیب دولتی با بودن چند مأمور مسلح در جیب بتوانند
 چهار کیلو کمتر یا بیشتر تریاک ر بوده و آنرا از اختیار مأمورین خارج نمایند و ضرورت داشته
 از سروان محمدی و بنفشه در اطراف صحت و سقم این مراتب تحقیق و گزارش اولیه
 مأمورین را در مورد قتل پاشا بوسیله سروان محمدی از مقامات صلاحیتدار گرفته و مورد مطالعه
 و دقت قرار داده که نتیجه دهند، قتل پاشا چرا و بجهت عنوان صورت گرفته و آیا دفاع متهمین
 که برای از بین بردن آثار خارجی قتل پاشا بدست دو نفر از بستگان و همکاران خود این
 پرونده را بوجود آورده اند تا چه حد صحت داشته و قتل پاشا ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم
 بموضوع کشف دارد یا نه و نیز دقیقاً رسیدگی نشده اولاً بسته داخل جیب گذاشته شده یا نه
 اگر گذاشته شده در چه محل و بوسیله چه شخصی گذاشته شده و چه دلیلی موجود است
 اگر بسته در جیب گذاشته شده محتوی آن بسته تریاک بوده و نیز صمد کنعانی شریک او
 گفته اند در بین راه آنها را سروان از جیب پیاده کرده و از جریان قتل پاشا عسگری اطلاع
 ندارد از سروان و ستوان در اطراف این مراتب بنحوی که حقیقت روشن گردد تحقیق نشده
 و علل آن استعمال نگردیده در صورتیکه اگر این مراتب صحت داشته از مأمورین تحقیق نشده
 موقعیکه تریاک را بدست آورده و به جیب گذاشته و قبل از گذاشتن در جیب تریاک را وزن
 نکرده و صورت مجلس تنظیم ننموده و با مضامین حاضرین نرسانیده و بدون رعایت تشریفات
 آنرا در جیب گذاشته و حتی معاون خودشان معینی و با شاهد و با شریک معینی را قبل از
 تنظیم صورت مجلس از جیب پیاده کرده اند و نیز از اشخاص که در مورد هزار تومانی که
 بمنظور خرید تریاک از اداره مربوطه مأمورین گرفته اند و آنها گفته اند هزار تومان را به عزیز
 پور صادق بابت بیعانه تریاک داده اند از عزیز چیزی کشف نشده بلکه در خانه صمد کنعانی
 از قفسه اطاق او با نشانی خود مبلغ ۸۹۰۰ ریال از بیعانه را پیدا کرده اند چگونه با وجود
 اختلاف در اظهارات اشخاصی که در این باب بیان و اطلاع کرده اند و پول نزد صمد کنعانی
 یکی از بستگان سروان محمدی بدست آمده دادگاه با اظهارات آنها با وجود قرینه خلاف
 استناد کرده چون بجهات مذکوره رسیدگی ناقص و رای دادگاه موجه و مدلل نیست لذا
 دادنامه فرجامخواسته در مورد هر سه نفر فرجامخواه نقض و رسیدگی بشبهه صادر کننده حکم
 ارجاع میشود دادگاه جنائی مجدداً بانجام تشریفات لازمه دفتری و تشکیل جلسه مقدماتی
 و دستور تکمیل تحقیقات و انجام آن بوسیله بازپرس و تشکیل جلسه مقدماتی ثانوی بالاخره

در جلسه علنی با حضور متهمین و وکلای مدافعشان رسیدگی بعمل آورده و با استماع توضیحات آنان و بیانات نماینده دادسرا و مدافعات وکیل و شنیدن آخرین دفاع و اعلام پایان دادرسی و با توجه بگزارشهای اولین مأمورین انتظامی سروان محمدی و ستوان بنفشه و اظهارات مأمورین مذکور و اظهارات صمد کنعانی که با مأمورین کشف بزه همکاری کرده اند و اظهارات صالح وطن زیست فرزند حاجی آقا در قصور سروان سید طاهری در تاریخ ۳۹/۶/۲۱ در صورت جلسه های تنظیمی اداره کل نظارت بر مواد مخدره مبنی بر دریافت وجه جهت بیعانه خرید تریاک از صندوق اداره مذکور و اظهارات زکریا خاکزاد بیاور فرزند ایجان در ۳۹/۱۰/۱۹ و اظهارات صفرعلی هرسچیان در ۳۹/۶/۱۶ و ۳۹/۷/۱۶ و اظهارات عزیز صادق صدیق مبنی بر اینکه در موقع شلیک گلوله و تیراندازی که منتهی به قتل پاشا عسگری شده است حضور داشته و اختلاف گوئی او در دادگاه در مورد حضور او بموقع تیراندازی سروان محمدی بطرف پاشا و اظهارات حسن طهماسب سراسر شاگرد قهوه خانه عزیز صادق صدیق متهم و گزارش ۴۷۴۶ - ۲۲ - ۳۹/۸/۵ سروان محمدی و ستوان بنفشه و صورت مجلس قرار بازپرس دادسرای ارتش و گزارشهای ستوان بنفشه در ۳۹/۸/۲ با اداره کل نظارت بر مواد مخدره و توضیحات سروان محمدی باینکه متهمین چهار کیلو تریاک را برای فروش عرضه کرده بودند بوسیله جیب ربوده و مأمورین انتظامی موفق نشده اند که چهار کیلو تریاک دیگر را که درباره آن صحبت میکرده اند از متهمین دریافت نمایند و نظر باظهارات صالح وطن زیست در دادرسی ارتش عمل ارتكابی عزیز صادق فرزند حسن از جهت در معرض فروش گذاشتن تریاک مستنداً بماده ۵ قانون منع کشت خشکخاش و ماده ۴ قانون مجازات او را بدو سال حبس تأدیبی و پرداخت مبلغ دو میلیون ریال بابت جریمه ۴ کیلو تریاک محکوم مینمایند زکریا خاکزاد بیاور فرزند ایجان و صالح وطن زیست از جهت معاونت با متهم و ردیف یک مستنداً بماده پنج قانون مرقوم و ماده ۲۸ آن قانون و ماده ۲۸ و ۲۹ قانون مجازات زکریا را بهشت ماه حبس تأدیبی و صالح وطن زیست را بشش ماه حبس تأدیبی محکوم مینمایند متهمین حین اعلام رای و بدون ذکر اعتراض خاصی فرجامخواه شده که رسیدگی بشعبه ششم دیوانعالی کشور ارجاع میگردد ۴۱/۱۱/۲۳ چون اصراری بنظر میرسد باید در هیئت عمومی طرح شود.

بتاریخ روز چهارشنبه بیست و ششم تیرماه ۱۳۴۲ جلسه هیئت عمومی بریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای محمد مجلسی دادستان کل کشور و جناب آقای دکتر عبدالعلی دهقان معاون اول دادستان کل و آقایان رؤسا و مستشاران شعب دیوان مزبور بشرح زیر. شعبه اول جناب آقای علی اصغر امین آقای دکتر محمدعلی پارسائی

شعبه دوم جناب آقای فتح الله فرزند جناب آقای ولی الله شهاب فردوس.

شعبه سوم - جناب آقای محمود عرفان آقای احمد رزین آقای علی صفری.

شعبه چهارم - آقای اسدالله مصباح مرجانی آقای ابوالقاسم اخوی آقای جواد

صادقی

شعبه پنجم - جناب آقای محمود هدایت آقای محمد حسن شیرازی آقای ابوالقاسم فقیه زاده -

شعبه ششم - جناب آقای صالح صالح آقای بیوک آصف زاده
شعبه هشتم - جناب آقای نصیرالدین خواجوی و آقای علی اصغر شریف آقای دکتر حسین بصیری

شعبه نهم - جناب آقای رضا هنری آقای مرتضی طباطبائی دیا آقای وجیه الله فاضل سرجوئی

شعبه دهم - جناب آقای محمد صدر آقای دکتر علی صدرات .

شعبه یازدهم - جناب آقای عبدالحسین احمدی بختیاری آقای رحمت الله مقدم

- تشکیل پس از طرح و قرائت گزارش پرونده و اوراق لازم و توضیحات کافی با کسب عقیده جناب آقای دادستان کل مبنی بر ابرام دادنامه با کثرت چنین رأی میدهند. گرچه محکوم علیهم حین اعلام رأی بدون ذکر اعتراض خاصی فرجامخواسته اند ولیکن یکی از فرجامخواهان بنام عزیز پورصادق صدیق لایحه ای از زندان ارسال ولی با انکار از ارتکاب جرم انتسابی بیان داشته باینکه تریاکی کشف نشده او را جریمه معادل چهار کیلو تریاک و مبلغ دو میلیون ریال و دو سال حبس مجرد محکوم نموده اند با مراجعه بپرونده امر قسمتی از اعتراضات مزبور موجه بنظر میرسد چه بطوریکه مندرجات پرونده امر میرساند تریاکی بعنوان نمونه و معادل با دولول از طرف شخص لاغر اندامی ارائه شده بموجب گزارش اداره آگاهی دعوی شده است که از جنس اول پست تر بوده و معلوم نیست چهار کیلو تریاک مورد ادعا بچه کیفیت توزین و وزن مشخص و معلوم شده و صرف وجود بسته ای بعنوان تریاک دلالت بر وجود کم و کیفیت آن ندارد بعلاو بطوریکه در ضمن محاکمه اشاره شده تریاکی از طرف عزیز پورصادق صدیق ارائه گشته و با فرض تحقق این موضوع بهیچ وجه روشن نیست مشارالیه خود مالک آن یا واسطه در امر بوده و از طرف صاحب آن تریاکی را بعنوان نمونه ارائه کرده باشد و چون حکم ممیزعنه از حیث مالکیت تریاک مورد ادعا و مبادرت او بعرضه برای فروش و مقدار آن از جهت تعیین میزان جریمه بهیچوجه روشن نیست و مطابق اصول قانون اساسی و قوانین جاریه احکام محاکم باید مدلل و موجه باشد و با فرض توجه بانتهام عمل انتسابی بمشارالیهم ممکن است با ماده ۸ از قانون منع کشت خشخاش تطبیق شود نه با مواد استناد مورد حکم بنا بر این با نقض حکم ممیزعنه با کثرت آراء نسبت بهر سه نفر رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه جنائی مرکزی ارجاع میشود.